

تأثیر هیدروپلیتیک بر مناسبات عراق و ترکیه با تأکید بر دجله و فرات

افشین کرمی*

جواد حسن‌زاده

زهرآ پيشگاهي فرد

چکیده

منازعات آبی زمانی اتفاق می‌افتد که یک منبع آبی، گستره‌ای بیش از یک کشور داشته باشد و کشورها در نحوه استفاده از آن اختلاف نظر داشته باشند. خاورمیانه از مناطقی است که با بحران آب دست و پنجه نرم می‌کند. از مهم‌ترین مناطق بالقوه بحران، حوضه دجله و فرات است که برخلاف دیگر حوضه‌ها با مازاد آب و عدم توافق در تقسیم عادلانه روبرو است. امروزه ترکیه با اجرای طرح‌ها و پروژه‌ها و احداث سدهای متعدد میزان آب فرات را برای سوریه و عراق کاهش داده است و موجبات اعتراض آن‌ها را در پی داشته است. این دو کشور خواهان ایجاد یک توافقنامه و تقسیم عادلانه بوده و این دو رود را بین‌المللی می‌خوانند، درحالی‌که ترکیه این دو را رودهای سرزمینی می‌داند. سوریه و عراق در شرایط فعلی توان مقابله با ترکیه را ندارند. از جمله طرح‌های ترکیه در فرات، پروژه‌های گاپ و ماناگات و خط لوله صلح است. این مقاله به دنبال آن است که با روشی توصیفی - تحلیلی به بررسی وضعیت هیدروپلیتیکی حوضه دجله و فرات بپردازد و چالش‌های هیدروپلیتیکی بالقوه و بالفعل مابین کشورهای این حوضه را مورد بررسی قرار دهد. به نظر می‌رسد با توجه به شرایط موجود، توسعه طرح‌های آبی از سوی ترکیه یکی از اصلی‌ترین موانع در راه نیل به اجماع هیدروپلیتیکی در این حوضه آبریز باشد. با توجه به تیره شدن روابط سوریه و ترکیه در جریان ناآرامی‌های اخیر سوریه، باید منتظر تشدید اختلافات این دو کشور بر سر این حوضه آبی نیز باشیم.

واژگان کلیدی: هیدروپلیتیک، منازعه، بحران، آب، سد.

* دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

استاد گروه جغرافیای سیاسی دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۲/۶ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۱/۱۷

نویسنده عهده‌دار مکاتبات: afshin_karami62@yahoo.com

مقدمه

آب منشأ و راز ماندگاری حیات در جهان است. حیات ابتدا در محیط آبی در دریاها و اقیانوس‌ها شکل گرفت و آنگاه به تدریج به مناطق خشک و خاکی آن انتقال یافت. در این مناطق نیز تداوم حیات بدون وجود هوا و آب شیرین امکان‌پذیر نخواهد بود، زیرا بیش از ۷۵ درصد اندام موجودات زنده را آب تشکیل می‌دهد. آب به عنوان عنصر اساسی خلقت و یکی از عمده‌ترین نیازهای بی‌جایگزین بشری، امروزه در نقاط بی‌شماری از جهان در وضعیت نامطلوبی قرار دارد که در بسیاری از موارد می‌توان آن را بحرانی نامید. آب به عنوان منبع حیات، یکی از عناصر اصلی زیست موجودات زنده است. پس مهم‌ترین رکن بقا و زندگی موجودات زنده را آب تشکیل می‌دهد که در صورت کمبود، رقابت بر سر کسب و تصاحب آن به صورت امری ذاتی در میان ساکنان مناطق مختلف جغرافیایی تجلی می‌یابد. (حافظ-نیا، ۱۳۸۱: ۴۴) خاورمیانه یکی از نمونه‌ها و مصادیق این مناطق بحرانی است. قرار گرفتن منطقه خاورمیانه در کمربند خشک جهان موجب شده تا این منطقه علی‌رغم دارا بودن ۵ درصد جمعیت جهان تنها ۱ درصد آب‌های شیرین قابل‌دسترس را در اختیار داشته باشد که این منابع آب نیز عمدتاً به صورت مشترک مورد استفاده قرار می‌گیرد و بیش از ۵۰ درصد جمعیت این منطقه در حوضه‌های آبریز مشترک زندگی می‌کنند که این مسئله رقابت‌ها و منازعاتی را برای استفاده هر چه بیشتر از این منابع محدود به دنبال دارد. بحران آب اگرچه ابعاد جهانی داشته و گریبان‌گیر جوامع بسیاری است، اما شاید در هیچ جای دیگری به اندازه خاورمیانه و خصوصاً بخش‌های عربی، آب ابعاد سیاسی-امنیتی نیافته و بر سیاست‌های ملی و منطقه‌ای کشورها تأثیر نهاده است.

مصرف آب در سال‌های اخیر به علت رشد جمعیت، گسترش شهرها و توسعه کشاورزی از افزایش چشمگیری برخوردار بوده است. این مسئله سبب بحران آب و منازعه بین کشورها در مورد استفاده از آب رودخانه‌های مرزی شده است. امروزه آب در مناسبات بین کشورها یک عامل بسیار تأثیرگذار است. برخی برای آینده آب، ارزش و اهمیتی به مراتب بیشتر از نفت قائل می‌شوند. بدون نفت می‌توان زندگی کرد، ولی امکان زندگی بدون آب وجود ندارد. جمعیت جهان از ۱ میلیارد نفر در سال ۱۹۰۰ به حدود ۸ میلیارد نفر در اوایل قرن بیست و یکم رسیده است. همچنین مجموع سطح زیر پوشش آبیاری جهان نسبت به سال ۱۹۰۰ بیش از ۵ برابر شده است. (ساری‌صراف، ۱۳۸۴: ۱۹۶) مسئله کمبود آب به‌طورکلی و کاهش تدریجی آن در اثر مصرف جوامع سبب شده است آب نقش اساسی خود را در شکل‌دهی به روابط اجتماعی-سیاسی ملت‌ها و جوامع بشری به ویژه در مناطق خشک‌تر جهان ایفا کند. امروزه آب به عنوان یک موضوع ژئوپلیتیکی تجلی پیدا کرده است و بر روابط دولت‌ها تأثیر می‌گذارد. اگرچه آب‌های مشترک نظیر رودخانه‌ها، دریاها و دریاچه‌ها منشأ همکاری‌های مشترک و

انعقاد پیمان‌های متعدد می‌شود، ولی به دلیل تبدیل شدن آن به یک منبع کمیاب، رقابت و درگیری را بین ملت‌ها تشدید می‌کند. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۴۶) رقابت برای منابع آب مشکلاتی را موجب خواهد شد. نخست، توزیع آب در سراسر منطقه طبقه‌بندی جدیدی از کشورهای غنی و فقیر ایجاد خواهد کرد و در این میان دولت‌های دارای ذخایر آبی غنی در اغلب منطقه خاورمیانه، اهرم‌های اعمال فشار بیشتری برای زیر فشار گذاشتن همسایگان نیازمند خود خواهند داشت که این مسئله به شدت بر توازن منطقه‌ای اثرگذار بوده و منطقه را رو به بی‌ثباتی پیش خواهد برد. دوم اینکه کشورهای مزبور احتمالاً درگیر جنگی مستقیم بر سر کنترل یا تخصیص آب خواهند شد. (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳: ۱۶۷) به آن دسته از رودهایی که در بیش از یک کشور جریان دارند رود بین‌المللی اطلاق می‌شود. در دنیا بیش از دویست رود بین‌المللی وجود دارد. نوع تعامل میان ملت‌ها در بهره‌برداری از این منابع آبی مشترک، طیف گسترده‌ای از سازگاری و همکاری کامل تا ناسازگاری و جنگ را در بر می‌گیرد. با توجه به مصرف فزاینده آب در آینده و افزایش مصرف کشورهای فرادست رودها در بهره‌برداری از این منابع، شاهد فزونی مشاجرات هیدروپلیتیک میان ملت‌ها (عمدتاً در کشورهای فرودست رودخانه‌ها) هستیم. برخی ژئوپلیتیسین‌ها قرن کنونی (سده ۲۱) را سده هیدروپلیتیک می‌دانند و بر این باورند که اغلب درگیری‌ها و جنگ‌های منطقه‌ای در جهان به دلیل بحران برآمده از کمبود آب خواهد بود. هیدروپلیتیک مطالعه نقش آب در سیاست است. به دیگر سخن پاسخی به این پرسش است که چگونه از آب برای اعمال قدرت استفاده کنیم؟ هیدروپلیتیک ترکیبی متوازن از دو واژه آب و سیاست است و تأثیر آب بر سیاست و تصمیم‌گیری‌های سیاسی در سطوح محلی، منطقه‌ای و کروی را که می‌تواند موجب تنش یا همگرایی در این سطوح شود، مورد مطالعه قرار می‌دهد. هیدروپلیتیک مطالعه ستیز و همکاری میان ملت‌ها بر سر تقسیم منابع آبی است. (کاوپانی‌راد، ۱۳۸۴: ۳۳۹)

یکی از حوضه‌هایی که در وضعیت کاملاً بحرانی قرار دارد، حوضه رودهای فرات و دجله است. شدت و سابقه بحران در این حوضه آبریز بیشتر از حوضه رود نیل است. آنچه بر عمق و دامنه بحران در حوضه این رودها می‌افزاید، خصومت‌ها، رقابت‌ها و تعارضات سیاسی - اقتصادی بسیاری است که از دیرباز میان کشورهای این حوضه وجود داشته است. سیستم رودخانه‌ای دجله و فرات از میان سه حوضه رودخانه‌ای بحرانی خاورمیانه، تنها حوضه‌ای است که دارای مازاد آب است. بر خلاف بسیاری از کشورهای حوضه رودخانه‌های اردن و نیل، ترکیه، سوریه و عراق با کمبود آب مواجه نیستند، بلکه با مشکلات ناشی از مدیریت، سهم‌بندی و طرح‌های توسعه مواجه‌اند که اختلافاتی جدی را بین آن‌ها ایجاد می‌کند و این تنش‌ها می‌تواند به پروژه‌های عظیم آبیاری و هیدروالکتریکی در دست اجرای آن‌ها، ضربه

شدیدی وارد کند. موضوع دجله و فرات در خاورمیانه همواره منشأ منازعات و گفتگوها میان ترکیه و دیگر کشورها از قبیل عراق و سوریه بوده است. خاورمیانه منطقه‌ای است که سرزمین-های میان دریای مدیترانه و خلیج فارس را شامل می‌شود. خاورمیانه بخشی از افریقا - اوراسیا یا به طور خاص آسیا شمرده می‌شود و در بعضی موارد جزئی افریقای شمالی را نیز در بر می‌گیرد. (فغانی، ۱۳۷۸: ۳۱) به ندرت می‌توان در جهان مکانی مناسب‌تر از خاورمیانه یافت که در آن بشود مفید بودن دیدگاه‌های جغرافیایی - سیاسی را به معرض آزمایش گذاشت. هیچ منطقه‌ای با این وسعت نتوانسته در سال‌های اخیر به اندازه خاورمیانه توجه همراه با نگرانی جهانیان را به خود جلب کند. (درایسدل و اچ‌بلیک، ۱۳۷۴: ۱۹) پیشینه کشمکش برای دسترسی به آب شیرین در سراسر تاریخ خاورمیانه به چشم می‌خورد. در طول جنگ خلیج فارس نیز سدها، کارخانه‌های تصفیه آب و سیستم‌های انتقال آن را دو طرف درگیر مورد حمله قرار دادند و به هنگام عقب‌نشینی عراق، بیشتر تأسیسات تصفیه آب کویت تخریب شد. در اواسط سال ۱۹۹۲، عراقی‌ها متحمل کمبود شدید آب شدند، زیرا ذخیره جدید آب بغداد و سیستم بهسازی آب آن را نیروهای ائتلاف به رهبری امریکا منهدم کردند. تهدید ناشی از «سلاح آب» در طی نخستین روزهای جنگ خلیج فارس آشکارا خود را نشان داد یعنی زمانی که گفتگوهایی درباره استفاده از سدهای فرات در ترکیه برای قطع آب آشامیدنی عراق به دلیل تجاوز آن کشور به کویت وجود داشت. (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳: ۱۶۵)

در این مقاله سعی بر این است تا اقدامات مهم ترکیه در خصوص این دو شاه‌رگ حیاتی خاورمیانه بررسی شود و تأثیر این اقدامات بر روابط میان ترکیه و سوریه مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرد. روش ما در این مقاله توصیفی-تحلیلی بوده و با استفاده از اطلاعات کتابخانه‌ای اقدام به گردآوری اطلاعات نموده‌ایم.

بیان مسئله

بحران آب در منطقه خاورمیانه

طبیعت تابع مرزهای سیاسی نیست و به هر ناحیه و ملتی، گونه خاصی از منابع را ارزانی کرده است. ریشه ستیز میان اجتماعات انسانی نیز در همین ناهمسانی در پراکنش منابع میان نواحی و ملت‌ها نهفته است، به ویژه ملت‌هایی که توان مدیریت امور خویش را متناسب با شرایط زیست‌محیطی ندارند. نرخ بالای رشد جمعیت به همراه شهرنشینی شتاب‌آمیز، صنعتی شدن، توسعه کشاورزی، ترابری، تفریحات آبی و تخریب محیط‌زیست، فشار فزاینده‌ای را بر آب‌های شیرین موجود در کشورها تحمیل کرده و این فشارها نیز زمینه‌های کشمکش بر سر منابع آبی را در میان ملت‌ها پرورانده است. رودها نیز به عنوان پدیده‌های طبیعی در تأمین منابع آبی اجتماعات بشری از گذشته‌های دور تاکنون سهم بسزایی داشته‌اند. با پیدایش دولت مدرن و

شکل‌گیری مرزهای سیاسی، کارکرد منابع آبی در سمت‌گیری‌های سیاسی نمود بیشتری یافت. به‌گونه‌ای که در بهره‌مندی از این منابع، شاهد بروز تنش‌های فزاینده به ویژه در مناطق کم‌بارش و خشک هستیم. از چنین منظری است که واقع‌گرایان، بنیاد بسیاری از تنش‌های آینده را بحران آب می‌دانند. در خاورمیانه به عنوان منطقه‌ای که چالش‌های آبی، روندی فزاینده خواهد داشت، هر کشوری که منابع آبی غنی‌تری در اختیار داشته باشد در مناسبات هیدروپلیتیک و ژئوپلیتیک منطقه‌ای از توان اثرگذاری عمیق‌تری بهره خواهد برد. (کاویانی‌راد، ۱۳۹۴: ۲۸)

منابع طبیعی از جمله آب در خاورمیانه همواره آثار مهمی داشته‌اند. ذخایر عظیم نفت و برعکس آن، کمبود شدید منابع آبی مصرفی، دو عامل عمده تنش‌های فرامنطقه‌ای و درون-منطقه‌ای خاورمیانه هستند. نفت، تنش سیاسی بین کشورهای منطقه و قدرت‌های فرامنطقه‌ای را موجب می‌شود و کمبود آب اغلب زمینه‌ساز درگیری‌های درون منطقه‌ای است. (اطاعت، ۱۳۷۴: ۷) وجود منابع عظیم نفت از مدت‌ها پیش حیات سیاسی کشورهای عربی را تحت تأثیر قرار داده بود و اکنون معضل آب ثبات سیاسی بلندمدت منطقه را دچار تزلزل کرده است. (خوش‌رفتنار، ۱۳۷۲: ۲۳) منابع آب این منطقه اعم از نزولات جوی و آب‌های موجود در سطح و اعماق زمین از دو بعد مورد توجه می‌باشند: کمیت و کیفیت. بعد اول معمولاً به کمک اطلاعات و آمار مربوط به بارش‌ها و رواناب به خوبی توصیف می‌شود، اما بعد دوم مطالعات وسیعی را می‌طلبد که اغلب از آن غفلت شده است. کیفیت آب معمولاً با مشخصات شیمیایی فیزیکی و میکروبی‌شناسی آن ارزیابی می‌شود. (فغانی، ۱۳۷۸: ۳۵) افزایش جمعیت و حساسیت بحران کم‌آبی در خاورمیانه به حدی است که در ۲۰۰ سال آینده، این منطقه با جمعیتی حدود دویست میلیون نفر از تأمین آب مورد نیاز کشاورزی، صنعتی و آشامیدنی خود ناتوان خواهد بود. این در حالی است که طی چهار سال گذشته، میزان منابع قابل احیای آب در خاور نزدیک به ۱/۳ کاهش یافته و از سالانه ۳۴۰۰ مترمکعب برای هر نفر در دهه ۶۰ به سالانه ۱۳۰۰ مترمکعب در دهه جاری رسیده است. با عنایت به گزارش بانک جهانی، طی سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۲۵ سطح ذخایر آب قابل تجدید برای هر نفر در منطقه خاورمیانه از ۳۴۳۰ مترمکعب در سال به ۶۶۷ مترمکعب در سال کاهش خواهد یافت که علت آن به استفاده نادرست از منابع آب و وسعت بیابان‌ها و افزایش جمعیت برمی‌گردد. این امر، کشورهای منطقه را پایین‌تر از آستانه تحمل فشار بر جمعیت قرار خواهد داد. عامل اساسی نگرش استراتژیک به مسئله آب در خاورمیانه کاهش فزاینده آن در چند دهه گذشته است. استفاده از آب در سطح ملی و بین‌المللی از مدیریت صحیحی برخوردار نبوده است. فراوانی و در دسترس بودن آب در گذشته، اکنون جای خود را در بسیاری از نقاط زمین به کمبود شدید و نیاز فراوان به آن داده است. این موضوع وقتی حائز اهمیت است که از منظر نظریه پردازان مدیریت، آب «کلید توسعه پایدار» برای حفظ جوامع بشری نامیده شده است. کمبود منابع آب و نابرابری توزیع آن

در جهان، می‌تواند صحنه بین‌المللی را دست‌خوش تشنج سازد و جنگ‌های جدی را در حواشی منابع بین‌المللی آب به وجود آورد. (حسینی و محمدرضایی، ۱۳۸۴: ۵۳) اساساً امنیت منابع طبیعی از جدیدترین ابعاد امنیتی تلقی می‌شود که باب‌های تازه‌ای برای توجه به آن‌ها گشوده شده است. از دیدگاه امنیتی کاهش منابع طبیعی از جمله به دلیل پیامدهای اکولوژیک و تأثیر این پدیده در بقای ارگانیک جمعیت کشور بسیار قابل توجه و مهم است. بقای ارگانیک با بقای سیاسی تفاوت دارد؛ از این نظر که امنیت دولت - ملت بیش از آنکه به حمایت فیزیکی از دولت - ملت در مقابل تهدیدات نظامی خارجی بستگی داشته باشد به وابستگی زیستی ملت به محیط‌زیست فیزیکی آن بستگی دارد. این استدلال از این واقعیت ناشی می‌شود که جمعیت کشور جزء اصلی یک دولت - ملت را تشکیل می‌دهد و این مردمان نمی‌توانند بدون منابع مناسب جهت پرورش و افزایش خود به حیات ادامه دهند. بقای ارگانیک به مثابه ملاحظه‌ای مرتبط با امنیت ملی، بیش از کشورهای غربی متوجه دولت‌های درحال توسعه است. چرا که این کشورها هم‌اکنون در معرض رشد مستمر جمعیت بوده، درحالی‌که برای مقابله با فشارهای جمعیتی، فاقد منابع و فناوری‌های داخلی هستند. به‌طورکلی با توجه به نکات فوق، نقاط مشترک فراوانی بین امنیت منابع و محیط وجود داشته و این دو مقوله ارتباط نزدیکی با هم دارند. کشمکش بر سر مسیر و نحوه استفاده از رودخانه‌های بین‌المللی نمونه بارزی در این زمینه است. آمارها حاکی از این است که بیش از ۲۴۰ رودخانه بین دو یا چند کشور مشترک است. (عسگری، ۱۳۸۳: ۴۹۸)

تحلیل ساختاری ترکیه و عراق

ترکیه

ترکیه در غرب آسیا و جنوب شرقی اروپا (محل تلاقی دو قاره) قرار دارد. مساحت قسمت آسیایی ۷۵۵۶۸۸ کیلومترمربع و مساحت قسمت اروپایی آن ۲۳۷۶۴ کیلومترمربع است. بخش آسیایی ترکیه به آناتولی یا آسیای صغیر و بخش اروپایی به تراس شرقی شهرت دارد. این دو بخش به وسیله دریای مرمره و دو تنگه داردانل و بسفر از یکدیگر جدا شده‌اند. این کشور با ۷۷۹۴۵۲ کیلومترمربع مساحت، سی و ششمین کشور جهان محسوب می‌شود. (برازش، ۱۳۸۸:

(۱۰)

منابع آب ترکیه

ترکیه از سه طرف توسط دریای سیاه در شمال، دریای مدیترانه در جنوب و دریای اژه در غرب احاطه شده است. در شمال‌غربی دریای داخلی مهمی به نام دریای مرمره وجود دارد که این دریا از سمت شمال به وسیله تنگه بسفر به دریای سیاه و از طریق تنگه داردانل به دریای اژه متصل می‌شود. این دو تنگه دریای سیاه را به دریای آزاد متصل می‌نمایند. دریای مرمره

منطقه‌ای در حدود ۱۱۳۵۰ کیلومترمربع را در بر می‌گیرد. (ملکی، ۱۳۸۶: ۴) رودهای بسیار زیادی در این کشور جاری است که از کوه‌های مختلف سرچشمه گرفته و پس از گذشتن از ترکیه و بعضی از کشورهای همسایه به دریاهای اطراف می‌ریزد. رودهای مهم ترکیه عبارت‌اند از: قزل ایرماق که بلندترین رودخانه ترکیه است، مارتیزا، مندرس، سوزورلوق، گدیز، دلامان، کوپرو، گوق‌سو، سیحان، جیحان، آزی‌نهر، چوروه، یشیل ایرماق، یورسوق، آنکاراچای، جیغ-چای، آلاداغ، ارس، قره‌سو، دجله و فرات. دریاچه وان با مساحت ۳۷۱۳ کیلومترمربع، بزرگ‌ترین دریاچه در ترکیه است که در آناتولی شرقی قرار دارد و این ناحیه بالاترین میزان ذخیره آبی را دارد. دومین دریاچه بزرگ ترکیه دریاچه نمک، با مساحت ۱۶۲۰ کیلومترمربع است. آب این دریاچه بسیار شور و غلظت نمک بالایی دارد. از مهم‌ترین دریاچه‌های منطقه غربی می‌توان از دریاچه باشهیر با مساحت ۶۵۰ کیلومترمربع نام برد. (برازش، ۱۳۸۸: ۱۸-۱۶)

عراق

عراق از نظر موقعیت عمومی سرزمینی را شامل می‌شود که از طرف شمال به فلات آناتولی و از سوی شرق به فلات ایران و از طرف جنوب و جنوب‌غربی به صحرای شبه‌جزیره عربستان و از غرب به صحرای شامات محدود می‌شود. عراق از موقعیت جغرافیایی و سیاسی مهمی در خاورمیانه برخوردار است. مرزهای عراق از نظر طبیعی و توپوگرافیکی با کشورهای ایران، ترکیه و تا حدودی سوریه، مرزهای کوهستانی و صعب‌العبور است، ولی مرز مشترک عراق بین کویت، عربستان و قسمت‌هایی از سوریه، بی‌عارضه یا کم‌عارضه است، به همین دلیل مرزهای ایران - عراق و عراق - ترکیه از نظر توپوگرافیکی مرزهای طبیعی محسوب می‌شوند. وسعت عراق ۴۳۷۰۷۲ کیلومترمربع بوده که ۴۳۲۱۶۲ کیلومترمربع آن خشکی و ۴۹۱۰ کیلومترمربع نیز آبی شامل دریاچه‌ها، باتلاق‌ها و سایر پهنه‌های آبی است. (نامی و محمدپور، ۱۳۸۶: ۲-۵)

منابع آب عراق

منابع آبی عراق به چهار دسته تقسیم می‌شوند: رودخانه‌ها، دریاچه‌ها، سدها و آب‌های ساحلی خلیج فارس. مهم‌ترین و ارزشمندترین بخش کشور عراق که حیات اقتصادی عراق به این بخش وابسته است، جلگه بین‌النهرین است. دو رود بزرگ دجله و فرات در این جلگه جریان دارند. علاوه بر دجله و فرات و شط‌العرب چهار رودخانه فرعی دیگر نیز در این بخش جریان دارد. زاب کوچک، زاب بزرگ، دیاله و عظیم‌رود که این رودخانه‌های فرعی نیز در نهایت به دجله متصل می‌شوند. در خاک عراق دریاچه‌های چندی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها دریاچه حبانیه در جنوب رمادی است. دولت عراق به منظور بالا بردن ذخایر آب رودخانه‌های مختلف و نیز

بهره‌برداری از آب آن در تولید انرژی، سدهایی ساخته است که با توجه به موقعیت محل و دریاچه‌های پشت سد، هر یک از اهمیت خاصی برخوردارند. این سدهای مهم عبارت‌اند از سد بخرمه، سد دوکان، سد دربندیخان، سد سامره، سد هندیه و سد کوت. عراق از جانب جنوب شرقی از طریق خلیج فارس با آب‌های آزاد ارتباط دارد. (نامی و محمدپور، ۱۳۸۶: ۲۲-۲۷) عراق هیچ رودخانه‌ای ندارد که از داخل خاک آن کشور سرچشمه گرفته باشد. رودخانه‌هایی که وارد عراق می‌شوند، از ایران و ترکیه سرچشمه می‌گیرند. با این حال عراق بیش‌ترین ادعاها و اعتراضات را به ترکیه و ایران داشته و دارد. از خاک ترکیه رودهای دجله و فرات سرچشمه گرفته و وارد خاک عراق می‌شوند. به دلیل آنکه سرچشمه دجله و فرات در خاک ترکیه است، این کشور کنترل میزان آبی را که وارد عراق می‌شود، در دست دارد. (جعفری‌ولدانی، ۱۳۸۸: ۶۵)

مسائل حوزه دجله و فرات

در حوزه بالقوه بحرانی دجله و فرات بحران آب با دیگر نقاط متفاوت است، چون تنها نقطه‌ای در خاورمیانه است که دارای مازاد آب است. به همین دلیل برعکس نقاط دیگر مشکلات بیشتر بر سر تسهیم آب است. ترکیه اعتقاد دارد همان‌گونه که اعراب حق بهره‌برداری از منابع نفت را دارند، ما هم از آب به‌طور دلخواه استفاده می‌کنیم. سرچشمه‌های رودخانه‌های دجله و فرات و انشعاب‌های فرعی عمده فرات در ترکیه قرار دارند و جریان‌های طبیعی این دو رودخانه بسیار متغیر است. دجله پس از طی مسافتی زیاد در سوریه، به عراق می‌ریزد و در آنجا به شعبه‌های زاب کوچک، زاب بزرگ، ادھیم و دیالی تقسیم می‌شود که سرچشمه‌های آن در ایران قرار دارد. فرات با ۲۳۱۰ کیلومتر طول بعد از نیل، طولانی‌ترین رود در خاورمیانه است که ۴۲۲ کیلومتر آن در ترکیه، ۶۷۵ کیلومتر در سوریه و ۱۲۱۳ کیلومتر آن در عراق جاری است. (نهایزی، ۱۳۷۸: ۵۹-۶۰) ترکیه درصدد است تا رشدی را که طی دو دهه گذشته از طریق ادامه پیشروی در راه صنعتی شدن و حمایت از توسعه کشاورزی داشته است، ادامه دهد و بر آن بیفزاید. آب به عنوان سنگ زیرینا در رهیافت‌های ترکیه برای تحقق این هدف به شمار می‌رود، زیرا پروژه‌های آبیاری و تولید انرژی مربوط به رودهای دجله و فرات به عنوان بنیادی‌ترین وسیله تحقق هدف‌های توسعه کشاورزی و صنعتی ترکیه به حساب می‌آید. مهم‌ترین این طرح‌های آبی طرح‌های جنوب شرق آناتولی موسوم به «طرح جنگل» است. ترکیه درصدد است تا بخشی از منابع آبی فراوان خود را برای غلبه بر دشواری‌هایی که سد راه موفقیت در اجرای طرح‌های توسعه‌ای کشور می‌شود، به کار گیرد. به همین دلیل می‌بینیم که ترکیه همکاری منطقه-ای خود را به همسایگان عرب پیشنهاد می‌کند. بر اساس این طرح ترکیه بخشی از آب‌های سیحان و جیحان را به نام « طرح لوله‌های صلح» در ازای دریافت برخی تسهیلات به اعراب

می‌فروشد. این تسهیلات می‌تواند ترکیه را در غلبه بر دشواری‌های پیش روی خود یاری نماید. برخی از این تسهیلات عبارت‌اند از:

(الف) دریافت وام با تسهیلات مناسب؛

(ب) دریافت نفت خام و گاز با بهای پایین‌تر؛

(ج) به شرکت‌های ترکیه سهم بیشتری از قراردادهای اجرای طرح‌ها در کشورهای عربی واگذار شود؛

(د) تأمین سهم بیشتری از بازارهای کشورهای عربی برای فروش کالاهای ترکیه.

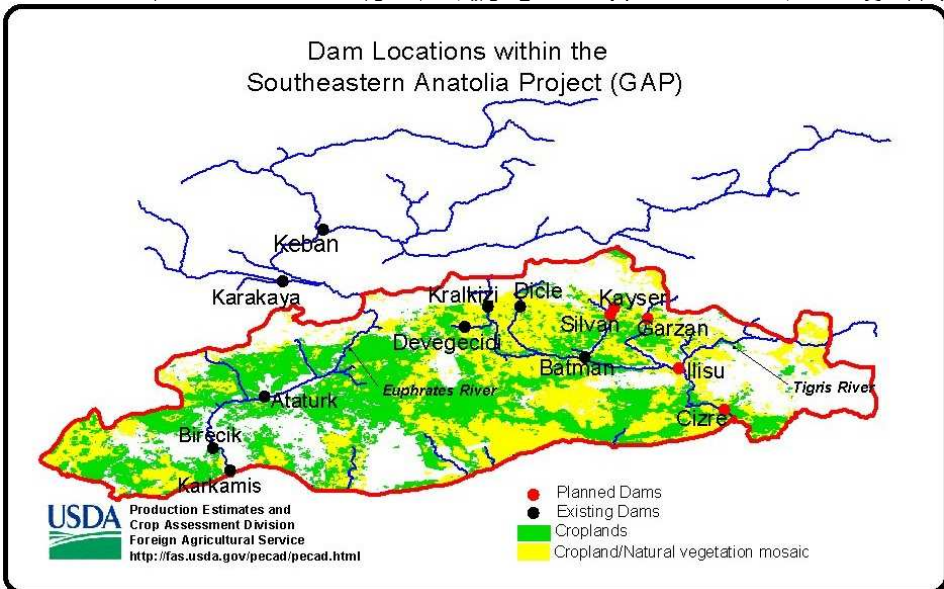
بدین‌سان زمینه‌های همکاری آبی و توسعه ترکیه در سطح منطقه آشکار می‌شود. پیشنهاد همکاری با برداشتی که ترکیه به عرب‌ها می‌دهد، آشکارا در راستای تأمین منافع توسعه اقتصادی و اجتماعی خود است، در مقابل هیچ‌گونه سودی در آن برای طرف عربی دیده نمی‌شود. در حقیقت نکات فراوانی در حول و حوش طرح مزبور وجود دارد که به نظر می‌رسد این طرح در صدد است با بهره‌گیری از فرصت‌های توسعه در کشورهای عربی، ترکیه را به نیروی مسلط در خاورمیانه، به ویژه در زمینه‌های اقتصادی، مبدل سازد. (نجیب، ۱۳۷۳: ۴۵-۴۶)

وضعیت تنظیم آب در دجله و فرات

سرچشمه رود فرات از کوه‌های ترکیه است و به دلیل آنکه ترکیه خود را صاحب این رود دانسته و حاضر به پذیرش این رود به عنوان رود بین‌المللی نیست، جهت بهره‌برداری هر چه بهتر و بیشتر از این منبع آبی اقدام به ایجاد سد و مخازن آبی بعضاً گسترده کرده است. در گذشته عراق و ترکیه هر دو سدهایی بر روی رودخانه فرات جهت آبیاری و تولید برق احداث کرده‌اند که عبارت‌اند از: الجبانه در عراق و سد کیان در ترکیه که در فاصله ۲۳۰ کیلومتری مرز سوریه در ۱۹۸۱ آغاز شد و قرار بود در ۱۹۹۱ نخستین توربین آن راه‌اندازی شود که احداث این سد ۲۳ میلیارد مترمکعب از آب‌دهی این رودخانه را به عراق و سوریه کاهش می‌دهد. طرح‌های توسعه کشاورزی هر دو کشور مبتنی بر استفاده بیشتر از فرات است که افزایش زمین‌های زیر کشت، افزایش تولید برق آبی و افزایش تولیدات کشاورزی و غیره از جمله طرح‌های توسعه ملی این کشورهاست و بنابراین می‌توان فرات را شریان حیاتی این دو کشور دانست. (نهایزی، ۱۳۷۸: ۶۰-۶۱) رودخانه دجله مستقیماً وارد خاک عراق می‌شود، اما رودخانه فرات پس از عبور از خاک سوریه به عراق می‌رسد. ترکیه در اواخر دهه ۷۰ به فکر کنترل آب افتاد و در این زمینه پروژه بزرگ گاپ را برای مهار آب‌های فرات و دجله به مرحله اجرا گذاشت. (ملکی، ۱۳۸۶: ۲۴۰-۲۴۱)

پروژه‌های آبی ترکیه پروژه گاپ

در دهه ۱۹۸۰ و مشخصاً در سال ۱۹۸۳ ترکیه پروژه‌های بسیاری را که از قبل در نظر داشت با هم ادغام کرد و این امر راه را برای طرح عظیم عمران جنوب شرقی آناتولی - یکی از فقیرترین و محروم‌ترین مناطق ترکیه - باز کرد. (John K. Cooley, 1990,12) نخستین مرحله این طرح مشتمل بر ۱۳ پروژه اصلی برای آبیاری و تولید انرژی با هزینه‌ای معادل جمعاً ۱۲ میلیارد دلار بر روی فرات و دجله بود. سد آتاتورک مهم‌ترین پروژه این مجموعه است. این سد در محلی احداث شده که آب سرچشمه‌های فرات قبل از پیوستن به یکدیگر و جاری شدن در بستر فرات به سوی سوریه، از طریق مجموعه‌ای از تلمبه‌خانه‌های قوی و به وسیله تونل‌های متعدد به شست سد آتاتورک انتقال می‌یابد. (فغانه، ۱۳۷۸: ۱۱۲-۱۱۳)



شکل ۱: سدهای موجود در پروژه گاپ

حدود ۴۰ درصد از زمین‌های قابل کشاورزی ترکیه در آناتولی جنوب شرقی قرار دارد که این زمین‌ها از کم‌آبی رنج می‌برند، ترکیه با هدف آبیاری بیشتر این زمین‌ها و همچنین تولید الکتریسیته پروژه گاپ را در سال ۱۹۸۳ شروع کرد. این پروژه بزرگ‌ترین و جامع‌ترین پروژه در نوع خود در جهان است که علاوه بر کشاورزی و تولید برق آبی، مسائل اقتصادی - اجتماعی همچون صنعت، حمل‌ونقل، معدن، ارتباطات، بهداشت، آموزش، گردشگری و مسائل زیربنایی را در بر می‌گیرد. (Kibaroglu, 2007: 153-145) این پروژه باید تا سال ۱۹۹۰ به اتمام می‌رسید که تکمیل آن تا سال ۲۰۰۵ و سپس تا سال ۲۰۱۰ به تعویق افتاد. پس از تکمیل این پروژه، عراق ۹۰-۸۰ درصد آب فرات را از دست خواهد داد. در سال ۱۹۹۰ در

اثر به آب بستن سد آتاتورک، جریان آب فرات به مدت یک ماه کاملاً قطع شد. (مختاری هشی و قادری حاجت، ۱۳۸۸: ۶۵) بعد از اتمام پروژه گاپ، سالانه ۵۰ میلیارد مترمکعب آب ذخیره خواهد شد که این مقدار، ۲۸ درصد پتانسیل آبی ترکیه است. همچنین افزون بر ۳/۵ میلیون شغل مستقیم در منطقه ایجاد شده و درآمد مردم منطقه ۵ برابر افزایش خواهد یافت. (Wolf and Newton, 2008:3) میانگین سالانه تخلیه آب دجله در مرز ترکیه ۶۰۰ میلیون مترمکعب است. سرچشمه‌های داخل ترکیه ۴۵ درصد از جریان آب را تأمین می‌کند، درحالی‌که شاخه‌های فرعی آن در عراق که سرچشمه‌های آن در ایران (رودخانه‌های زاب بزرگ و کوچک و دیاله) قرار دارد حدود ۹۴۰ میلیون مترمکعب به جریان آب اضافه می‌کند. پروژه گاپ ترکیه در نهایت جریان آب دجله را به خاطر توسعه کشاورزی ترکیه کاهش خواهد داد. ترکیه به منظور پاسخ به انتقادات اعراب به این پروژه، پیشنهاد ساخت «خط لوله صلح» را به مناطق خشک خاورمیانه مطرح ساخت. علاوه بر پیچیدگی وضعیت، این حقیقت نیز وجود دارد که سه بازیگر عمده این اختلاف آبی، دارای کینه‌های تاریخی حل‌نشده‌ای هستند. بدگمانی‌های متقابل ریشه در نیم‌قرن استیلای ترکیه بر دنیای عرب، عضویت ترکیه در ناتو، بهبود روابط آن کشور با اسرائیل و ادعاهای بازپس‌گیری سرزمین‌های مورد اختلاف دارد که همگی روابط آنکارا با همسایگان عربش را پیچیده می‌سازد. (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳: ۱۷۱) علاوه بر موارد فوق هم‌اکنون سوریه به میدان جنگ‌های نیابتی تبدیل شده است که این امر نیز پیچیدگی هیدروپلیتیکی این منطقه را بغرنج‌تر می‌کند. در مجموع اهداف موردنظر در اجرای پروژه گاپ را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- ۱- ارتقای کیفیت زندگی در منطقه اجرای پروژه؛
 - ۲- تأمین و تعمیم آموزش و خدمات بهداشتی برای اهالی؛
 - ۳- ایجاد تأسیسات مدنی برای تأمین این خدمات؛
 - ۴- تأمین آب برای آبیاری ۱/۷ میلیون هکتار زمین؛
 - ۵- تولید سالی ۲۷ میلیارد کیلووات ساعت برق آبی؛
 - ۶- افزایش درآمد سرانه در منطقه به میزان ۲۰۹ درصد.
- طبق گزارش‌های رسمی، در طول نه سالی پس از اجرای طرح گاپ، ۵۹/۳ درصد آن تحقق یافته که از آن میان بخش کشاورزی ۲۶ درصد، بخش انرژی ۸۳/۶ درصد و بخش تأسیسات مدنی ۴۹/۹ درصد و بخش جهانگردی که بعداً اضافه شده است، ۳۱/۹ درصد افزایش نشان می‌دهد. (معموری و کاظمی، ۱۳۹۰: ۱۴۵)

خط لوله صلح

این طرح که در فوریه سال ۱۹۸۷ توسط تورگوت اوزال، رئیس‌جمهوری وقت ترکیه، مطرح شد این کشور را به یک قدرت متوازن‌کننده در خاورمیانه تبدیل کرد. اجرای این طرح مستلزم

توافقی سه‌جانبه بین سوریه، ترکیه و عراق است. بدیهی است که با توجه سوابق موجود حصول چنین توافقی و از همه مهم‌تر اعتماد به چنین توافقی بسیار دور از ذهن است. پس از جریان تجاوز عراق به کویت این موضوع تقریباً به‌طور کلی منتفی گردید. زیرا صرف‌نظر از هزینه بالای این طرح، عملی شدن آن موجب به دست گرفتن نبض حیات کشورهای عربی منطقه در دست ترکیه است. گفتنی است که ترکیه احداث دو خط لوله را پیشنهاد کرده است: خط لوله انتقال آب به کشورهای نفت‌خیز خلیج فارس و خط لوله نفت این کشورها به ترکیه. پیداست که این دو ماده از نظر وابستگی جوامع به آن‌ها به هیچ‌وجه هم‌سنگ نیستند و قطع جریان این لوله‌ها که کار دشواری نیز نیست، عواقب بسیار وحشتناک‌تری دارد تا قطع لوله نفت. (فغانی، ۱۳۷۸: ۱۱۶) این طرح سالانه ۲/۲ میلیارد مترمکعب آب از دو رودخانه سیحان و جیحان ترکیه که در نهایت به مدیترانه سرازیر می‌شوند را به کشورهای کم‌آب سوریه، اردن، عربستان، کویت، بحرین، قطر و عمان و امارات متحده عربی انتقال خواهد داد. این خط لوله پس از عبور از سوریه در اردن به دو شاخه غربی با درازای ۲۶۵۰ کیلومتر برای اردن، غرب عربستان سعودی و شهرهای مکه و مدینه و جده و شاخه شرقی به درازای ۳۹۰۰ کیلومتر برای کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و شرق عربستان سعودی تقسیم می‌شود و هر دو خط لوله در عمق دومتری زمین خواهند بود. (Murakami, 1995: 43-45)

یک شرکت آمریکایی در سال ۱۹۹۸ این پروژه را مطالعه و بودجه مورد نیاز آن را ۲۰ میلیارد دلار و زمان انجام آن را ۱۵ سال برآورد کرده است. این پروژه در صورت تحقق، ترکیه را در مرکز طرح‌های آبی خاورمیانه قرار خواهد داد، ولی علاوه بر موانعی همچون هزینه و زمان زیاد آن، اعراب نیز به دلیل هراس از وابستگی مضاعف به ترکیه، نسبت به اجرای این طرح مردد هستند. اسرائیل نیز در ابتدا تمایل زیادی به استفاده از این خط لوله داشت، ولی به علت ترس از انفجار آن و همچنین عبور آن از سوریه، آن را از اولویت طرح‌های آبی خود خارج کرده است. (مختاری‌هشی و قادری حاجت، ۱۳۸۸: ۶۶) برخی اظهار می‌دارند جهت عملی شدن این طرح به همکاری کشورهای منطقه (سوریه، اردن، عربستان، کویت، عمان، امارات متحده عربی، قطر و بحرین) نیاز است و این مسئله با توجه به اختلافات عمیق و ریشه‌ای این کشورها در خصوص مرزها و مسائل سیاسی دیگر و نیز وضعیت بحرانی سوریه و عراق غیرممکن خواهد بود. علاوه بر این، اعتماد و تکیه به آب وارداتی از ترکیه، کشورهای منطقه را نسبت به ترکیه وابسته و آسیب‌پذیر می‌نماید و این مسئله خوشایند کشورهای عربی نیست و به همین خاطر از طرح مزبور استقبال خوبی به عمل نیاورده‌اند. (ملکی، ۱۳۸۶: ۲۴۱-۲۴۲)

پروژه ماناوات

این پروژه که در مقیاسی کوچک‌تر از خط لوله صلح مطرح است، سبب مشاجرات و بحث‌های دیپلماتیک بسیاری شده است. طبق این پروژه یک کمپانی کانادایی به نام شرکت مدوسا آب را

از رودخانه ماناوگات در نزدیکی آنتولی به کشورهایی که به آب احتیاج دارند حمل خواهد کرد. اجرای کامل این پروژه می‌تواند مشکل شدید آب آشامیدنی اسرائیل را تا حدود زیادی مرتفع سازد. اسرائیل هم‌اکنون بخشی از آب مصرفی خود را از دریای مدیترانه و از طریق دستگاه‌های آب‌شیرین‌کنی تأمین می‌کند. هزینه آن بالغ بر ۲ دلار و ۶۰ سنت می‌شود. این پروژه امکان برخورداری از آبی را می‌دهد که بهای آن در هر مترمکعب کمتر از ۸۷ سنت خواهد شد. آمریکا و اسرائیل شدیداً از این پروژه حمایت می‌کنند. (فغانی، ۱۳۷۸: ۱۱۷-۱۱۸)

شرکت مدوسا یک روش حمل‌ونقل آب در پلاستیک (بالون) را توسعه و بسط داده است. مشاجرات زمانی پیش آمد که شایعه شد اسرائیل یکی از کشورهای دریافت‌کننده آب خواهد بود. مقامات ترکیه نیز در مقابل عنوان نمودند که این پروژه جدای از ملاحظات سیاسی اجرا می‌شود. البته در حال حاضر با توجه به مذاکرات و ایجاد روابط بین کشورهای عربی و اسرائیل بحث مذکور به فراموشی سپرده شده است. این پروژه نزدیک به ۳۰۰ میلیون دلار هزینه در بر دارد و شرکت‌های خصوصی خارجی وظیفه حمل و فروش آن به کشورهای دیگر را به عهده خواهند داشت. (ملکی، ۱۳۸۶: ۲۴۳)

همکاری‌ها و منازعات آبی ترکیه و عراق

مسئله تقسیم آب رودخانه‌های دجله و فرات را می‌توان پس از مسئله شمال عراق و کردها، مهم‌ترین عامل شکل‌دهنده روابط دو کشور عنوان نمود. (اکبری، ۱۳۸۸: ۱۲۱) تنها توافق رسمی بین ترکیه و عراق در مورد آب‌های دجله و فرات در سال ۱۹۴۶ و در زمان ملک فیصل دوم پادشاه عراق امضا شد، ولی در این موافقت‌نامه ساخت سد و بند روی رودخانه‌ها مورد اشاره قرار نگرفته است. (مختاری‌هشی و قادری حاجت، ۱۳۸۸: ۶۲) ترکیه به عنوان کشوری که در ابتدای جریان آب قرار دارد برای خود حق مطلقی در مورد آب‌های سرچشمه گرفته از خاکش قائل است و ادعای همسایگان را مبنی بر حق اولیه به‌طور قاطع رد می‌کند. ترکیه در مورد این رودخانه‌ها یک نوع مصرف بهینه را توصیه می‌کند و معتقد است باید سیستم آبیاری این کشورها اصلاح شود و همچنین ترکیه ادعا می‌کند که احداث سد موجب تنظیم جریان منظم آب به همسایگان می‌شود و عنوان می‌کند که در سال‌های ۹۱-۱۹۸۹ نوسان آب زیاد بود و با اینکه جریان طبیعی فرات کمتر از ۵۰ مترمکعب بر ثانیه شده بود، ولی ترکیه با رها کردن آب از پشت سدها، این میزان را به ۵۰۰ مترمکعب بر ثانیه افزایش داد. (مختاری‌هشی و قادری مطلق، ۱۳۸۸: ۶۳) عراق پس از ترکیه و سوریه آخرین کشور در مسیر رودهای دجله و فرات است و شدیداً به این دو رودخانه وابسته است. در حدود ۸۵ درصد نیاز آب مردم این کشور به وسیله دجله و فرات تأمین می‌شود و حدود ۱/۳ میلیون هکتار زمین کشاورزی به وسیله این رودها آبیاری می‌شود. بنابراین عراق معتقد به مسیر طبیعی رودها و حق تاریخی بر آب برای مردم

جنوب بین‌النهرین، از زمان شروع تمدن در ۶۰۰۰ سال قبل است و اعتقاد دارد که باید نیازها سنجیده شود و ترکیه اجازه خروج ۷۰۰ مترمکعب آب در ثانیه را بدهد. (Seligman, 2008:39) در مارس ۲۰۰۷ سران سه کشور ترکیه، سوریه و عراق نشست مشترکی برای بررسی چگونگی همکاری سه‌جانبه در زمینه تقسیم آب رودخانه‌های دجله و فرات برگزار کردند. روابط ترکیه و عراق از ۲ سال پیش به دلایلی از جمله حمایت ترکیه از مخالفان دولت سوریه و اعطای پناهندگی سیاسی به طارق الهاشمی معاون فراری رئیس‌جمهور عراق رو به تیرگی نهاد و همین امر تأثیر زیادی بر هیدروپلیتیک آب در حوضه دجله و فرات داشت.

بررسی و تحلیل مواضع ترکیه، سوریه و عراق

قبل از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه، این کشور با همسایگان منطقه‌ای خود در خاورمیانه مشکلات بسیاری داشت. یکی از مهم‌ترین این مشکلات، روابط این کشور با سوریه بود. روابط خصمانه ترکیه و سوریه به‌طورکلی حول سه موضوع شکل گرفت: اختلافات مرزی و ادعاهای سوریه نسبت به استان هاتای (اسکندرون)، اختلاف بر سر آب رودخانه فرات و ادعاهای ترکیه مبنی بر حمایت از حزب کارگران کردستان. (Svet,2010:23) اختلاف ترکیه و سوریه بر سر فرات با برنامه توسعه آناتولی جنوب شرقی موسوم به GAP ارتباط دارد. هدف از اجرای این برنامه استفاده از آب رودخانه دجله و فرات از طریق ساختن ۲۲ سد و ۱۷ طرح آبرسانی بود که اجرای آن باعث کنترل ترکیه بر آب این رودخانه و زیان سوریه و عراق از آن می‌شد. دولت ترکیه هدف خود از اجرای این برنامه را آبرسانی به مناطق کردنشین و از این طریق، از بین بردن تمایلات جدایی‌طلبانه آن‌ها می‌دانست. علی‌رغم نشست‌های مختلف بین دو کشور، این موضوع همچنان یکی از چالش‌های روابط سوریه و ترکیه به شمار می‌رود. (محمدشریفی و دارابی‌منش، ۱۳۹۲: ۱۳۶)

علاوه بر این، شروع ناآرامی‌ها در سوریه، سیاست خارجی ترکیه را در قبال این کشور در وضعیت پیچیده‌ای قرار داد. ترکیه در ابتدا سعی در یافتن راه‌حلی مسالمت‌آمیز برای بحران این کشور داشت. با وجود این، ترکیه به سرعت سیاست خارجی خود را نسبت به سوریه تغییر داد و همراه با کشورهای غربی و همچنین قطر و عربستان، به‌شدت سیاست‌های فشار اسد را محکوم کرد. به نظر می‌رسد ترکیه در چهارچوب اجرای ستون دوم سیاست خارجی امریکا برای ایجاد تحولات ساختاری در کشورهای منطقه از جمله سوریه، سعی در نزدیکی به مواضع امریکا و کشورهای همسو داشته است. ورود ترکیه به مناقشه سوریه و همراهی با مخالفان فشار اسد باعث شد تا این مخالفان از حمایت ترکیه به عنوان کشوری با دموکراسی واقعی در منطقه تجلیل کنند. مقامات سوریه نیز در واکنش به تغییر موضع ترکیه، اقدام این کشور را شتاب‌زدگی ریاکارانه توصیف کردند. (Schenker,2011:48) تغییر جهت سریع در سیاست خارجی ترکیه

نسبت به سوریه نشان می‌دهد این کشور در راستای راهبرد کلان امریکا به دنبال ایجاد و حمایت از انجام تغییرات سیاسی در سوریه است. ترکیه با پذیرش پناهندگان سوری در خاک خود به دنبال کسب پرستیژ و جایگاهی مثبت در میان مخالفان سوری و همچنین کشورهای منطقه است. این سیاست کاملاً در راستای منافع و راهبرد امریکا در منطقه است.

مورد عراق نیز از جمله مواردی است که سیاست خارجی ترکیه در منطقه خاورمیانه را قبل از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه محدود کرده بود. حمله عراق به منطقه کردستان در شمال این کشور در اوت ۱۹۹۰ باعث شد روابط ترکیه و عراق وارد مرحله تازه‌ای شود. حضور نیروهای بین‌المللی در این منطقه و بمباران عراق از سوی امریکا باعث شد تا روابط دو کشور عراق و ترکیه از ثبات لازم برخوردار نشود. (Hudson, 2005: 123) هیچ‌یک از کشورهای خاورمیانه به اندازه عراق از بعد امنیتی برای ترکیه حائز اهمیت نیست. تحریم‌های سازمان ملل علیه عراق و همچنین جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ بیش‌ترین زیان را برای ترکیه به همراه داشت؛ چرا که این کشور یکی از بزرگ‌ترین بازارهای خود را در منطقه از دست داد. موضوع مهم‌تر اینکه نابسامانی داخلی عراق باعث شد تا پ.ک.ک بتوان مکان امن‌تری را برای فعالیت خود در شمال عراق به دست آورد. (Larrabe, 2007: 98) حمله امریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، اوضاع را برای ترکیه پیچیده‌تر کرد. در سال‌های اول حمله، این امکان برای ترکیه به وجود آمد تا بتواند خلأ قدرتی را که در منطقه ایجاد شده است پر نماید، اما انتقال قدرت و اعمال خودمختاری به منطقه کردنشین عراق، ترکیه را تا حدود زیادی ناامید کرد.

اولین توافق در مورد آب بین ترکیه و دیگر کشورهای حوضه دجله و فرات به سال ۱۹۲۱ برمی‌گردد که با سوریه در مورد تأمین آب شهر حلب بوده است. همچنین در سال ۱۹۸۷ و همزمان با شروع عملیات آب‌بندی سد آتاتورک، ترکیه و سوریه یک موافقت‌نامه موقتی امضا کردند که در آن ترکیه متعهد شده بود که اجازه جریان حداقل ۵۰۰ مترمکعب آب در ثانیه از رود فرات (حدود نیمی از آب فرات) را به سوریه بدهد. همچنین طبق توافقنامه‌ای که در سال ۱۹۸۹ بین عراق و سوریه در مورد فرات به امضا رسید، مقرر شد که سوریه ۴۲ درصد و عراق ۵۸ درصد آب خروجی از ترکیه را به خود اختصاص دهند. (مختاری‌هشی و قادری‌حاجت، ۱۳۸۷: ۶۲) از سال ۱۹۷۴ که ترکیه و سوریه به پر کردن سدهای خود پرداخته‌اند، میزان آب جاری به عراق به میزان یک‌چهارم مقدار معمولی خود رسیده است. ساخت سد الثوره در سوریه که جریان آب فرات را به میزان ۲۴ درصد کاهش می‌داد موجب بروز بحران در روابط سوریه و عراق در سال ۱۹۷۷ شد و عراق نیروهای نظامی خود را به مرز سوریه فرستاد و تهدید کرد که سد را منفجر خواهد کرد، ولی بحران از طریق میانجیگری روسیه و عربستان حل و فصل شد. (Topkaya, 1998: 3) سوریه به عنوان کشوری که در میان مسیر رود قرار دارد بنا

به مصلحت سیاسی، دو استدلال را مورد استفاده قرار می‌دهد و در ارتباط با آب رفتار متناقضی را در پیش گرفته است.

از یک طرف بر روی رودخانه یرموک چندین سد احداث کرده و جریان آب این رودخانه به اردن و اسرائیل را کاهش داده است و از طرف دیگر خواهان عدم احداث سد از سوی ترکیه است. در زمینه رودخانه ارتنس (العاصی) نیز همین وضع وجود دارد. (Topkaya, 1998: 11) سوریه این رودخانه را که از لبنان سرچشمه می‌گیرد و پس از عبور از سوریه وارد ترکیه شده و به خلیج اسکندرون در دریای مدیترانه می‌ریزد، رودخانه بین‌المللی نمی‌شناسد و از ۱/۲ میلیارد مترمکعب آب آن تنها ۱۲۰ میلیون مترمکعب به ترکیه جریان پیدا می‌کند که ۱۰ درصد آب رودخانه است و حتی سوریه با احداث ۲ مخزن دیگر مقدار جریان آن را به ۲۵ میلیون مترمکعب در سال کاهش داده است که ۲ درصد ظرفیت آبی این رود است. سوریه معتقد است که رودهای دجله و فرات بین‌المللی هستند و باید قواعد رودهای بین‌المللی و حق استفاده تاریخی مورد تأکید قرار گیرد و باید آب این رودها با توجه به نیازهای هر یک از کشورها و با استفاده از فرمول‌های ریاضی مرسوم، تقسیم شود.

فرات و رودخانه‌های فرعی آن منبع اصلی آب سوریه بوده و همه امیدهای این کشور برای افزایش تولید مواد غذایی، الکتریسیته و شرب برای جمعیت در حال افزایش کشور، بر پایه آن بنا شده است، ولی کاهش سطح آب فرات همراه با آلودگی آن توسط آفت‌کش‌ها، مواد شیمیایی و نمک منجر به جیره‌بندی و کاهش میزان آب و برق دمشق، حلب و چند شهر دیگر شده است و دمشق بیشتر شب‌ها آب ندارد. تخمین زده می‌شود که ۳۵ درصد آب دمشق از طریق سیستم فرسوده لوله‌کشی شهر به هدر می‌رود. (مختاری‌هشی و قادری‌حاجت، ۱۳۸۷: ۶۴) دو کشور عراق و سوریه به‌شدت از توسعه طرح‌های آبی ترکیه نگران هستند. برای مثال ترکیه زمانی که احداث یکی از بزرگ‌ترین سدها بر روی رود فرات که همان سد آتاتورک است را به پایان رساند، مدت یک ماه یعنی از ماه ژانویه تا فوریه، تمام آب فرات را به دریاچه پشت سد سرازیر کرد تا سد آبگیری شود و بدین ترتیب مانع جریان آب به سوی عراق و سوریه شد. ۹۴ درصد از سرچشمه‌های فرات و ۵۱ درصد سرچشمه‌های دجله در ترکیه قرار دارند و پیش‌بینی می‌شود مصرف آب در ترکیه در سال‌های آتی به دلایلی همچون: افزایش جمعیت، افزایش شهرنشینی که موجب تغییر الگوهای زندگی و مصرف و در نهایت افزایش مصرف آب می‌شود، اجرای یک رشته پروژه‌های آبیاری توسط دولت که با اتمام آن‌ها درخواست برای منابع آب در کشور بیشتر می‌شود و همچنین افزایش سریع مناطق صنعتی و روند شتابان صنعتی شدن که نیاز به برق را افزایش داده و کشور نیز فاقد سوخت فسیلی برای تولید برق است و مجبور است به برق آبی تکیه کند، بسیار سریع افزایش پیدا کند. هم‌اکنون نیز شهرهای بزرگی همانند آنکارا از کمبود آب رنج می‌برند.

گسترش فزاینده گردشگری در ترکیه باعث می‌شود مصرف آب در امتداد سواحل ترکیه به علت گردشگری بودن آن مناطق بسیار بالا برود و مقدار زیادی آب که باید به مصرف کشاورزی می‌رسید به این مسئله اختصاص داده شود. عدم وجود موافقت‌نامه جامع بین ترکیه و کشورهای پایین‌دستی در مورد آب و دیدگاه‌های متناقض هر یک از این کشورها و همچنین افزایش نیازهای همه کشورهای این حوضه می‌تواند منجر به بروز تنش‌هایی شود. کیفیت آب نیز یکی از مسائل اساسی مطرح در این حوضه است، استفاده زیاد از سموم و کودهای شیمیایی به علت گسترش کشاورزی در کنار کاهش میزان آب و افزایش شوری آن، باعث شده تا کشورهای پایین‌دستی با مشکلاتی در تأمین آب شرب خود مواجه شوند که هم‌اکنون سوریه در تأمین آب و برق شهرهای خود از جمله دمشق دچار مشکل است. (مختاری‌هشی و قادری‌حاجت، ۱۳۸۷: ۶۹)

چشم‌انداز هیدروپلیتیکی حوضه دجله و فرات

دولت‌ها در طول تاریخ برای به دست آوردن امنیت منابع با یکدیگر کشمکش داشته و این مسئله اغلب به رخداد جنگ‌ها، کمک کرده است. در این رابطه برخی محققان اعتقاد دارند تاریخ بشر، به تعبیری جنگ بر سر منابع بوده است. با این اوصاف دسترسی به منابع آبی می‌تواند توجیهی برای آغاز جنگ باشد و سیستم‌های عرضه آب نیز به هدفی برای تهاجم نظامی مبدل شوند. بقای ارگانیک به مثابه ملاحظه‌ای مرتبط با امنیت ملی، بیش از کشورهای غربی، متوجه دولت‌های درحال توسعه است. چرا که این کشورها هم‌اکنون در معرض رشد مستمر جمعیت بوده درحالی‌که برای مقابله با فشارهای جمعیتی، فاقد منابع و فناوری‌های داخلی هستند. (عسگری، ۱۳۸۱: ۴۹۷) به دنبال بروز ناآرامی‌ها در سوریه، بدیهی بود که ترکیه نتواند در قبال تحولات همسایه خود بی‌تفاوت باشد.

زیرا از یک طرف این تحولات با دکترین عثمان‌گرایی جدید رهبران حزب عدالت و توسعه در تعارض بود و از طرف دیگر تحولات سوریه می‌توانست چالش‌هایی در برابر منافع ملی ترکیه از نظر اقتصادی، سیاسی و امنیتی ایجاد کند. موضع‌گیری اولیه دولت ترکیه در قبال تحولات سوریه حمایت از انجام اصلاحات در سوریه و توصیه به بشار اسد برای انجام اصلاحات سیاسی در این کشور را شامل می‌شد. با توجه به این استراتژی بود که پس از آغاز ناآرامی‌ها در اوایل سال ۲۰۱۱ در سوریه، اردوغان به بشار اسد توصیه کرد که در سوریه اصلاحات سیاسی انجام دهد و کنترل اوضاع را در دست بگیرد. برای نخستین بار در فوریه ۲۰۱۱، بشار اسد و اردوغان در جریان ملاقاتشان در شهر حلب، در مراسم افتتاحیه سد دوستی بر روی

رودخانه «ارنتس» در مورد تحولات منطقه به گفت‌وگو پرداختند. (مسعودنیا، فروغی و چلمقانی، ۱۳۹۱: ۱۰۱)

از سال ۲۰۱۲ سیاست ترکیه در قبال سوریه تغییر کرد و این کشور در راستای سیاست جدید خود نه تنها به مخالفان دولت سوریه امکان عبور از خاک خود و حمل سلاح را به درون خاک سوریه داد، بلکه خود نیز تا مرحله درگیری نظامی با دولت دمشق پیش رفت. از سوی دیگر بحران موجود در عراق نیز بر پیچیدگی وضعیت هیدروپلیتیکی این منطقه افزوده است. در مورد روابط هیدروپلیتیکی سوریه و ترکیه دو سناریو می‌توان ترسیم کرد. سناریوی نخست ابقای بشار اسد در قدرت و سناریوی دوم سقوط رژیم بشار اسد. در حالت اول دولت ترکیه تمام تلاش دیپلماتیک و حتی نظامی خود را برای براندازی رژیم بشار اسد از طریق حمایت از مخالفان و یا ارائه انواع کمک‌ها انجام داده است.

در صورتی که رژیم سوریه بتواند از گرداب موجود خود را بیرون بکشد، از شرایط موجود در مورد آینده روابط آنکارا - دمشق، چشم‌انداز روشنی را نمی‌توان ترسیم کرد. به‌طور قطع دولت سوریه دخالت‌های مخرب آنکارا را از یاد نخواهد برد و به نظر می‌رسد ترکیه نیز از موضع خود عقب‌نشینی نکند؛ لذا در این وضعیت ترکیه به خوبی می‌تواند از برگ برنده هیدروپلیتیکی خود استفاده کند. اینجاست که هیدروپلیتیک می‌تواند به عنوان یک ابزار در خدمت اعمال قدرت و نفوذ در کشور همسایه مورد استفاده قرار بگیرد. در صورت رخداد چنین حالتی، امکان همکاری در مورد مسائل آبی به حداقل می‌رسد و کشور فرادست رودخانه معمولاً در موضع بالاتری قرار دارد و سعی می‌کند بدون توجه به نیازهای آبی سوریه حداکثر استفاده را از این وضعیت ببرد؛ عملی که با دو هدف تقویت زیرساخت‌های خود و فشار بر کشور همسایه متخاصم انجام می‌گیرد. در سناریوی دوم، در صورت سقوط رژیم بشار اسد و به قدرت رسیدن یک دولت متمایل به ترکیه یا نزدیک به منافع ترکیه، امکان همکاری‌های هیدروپلیتیکی دو کشور بیشتر می‌شود. در این حالت ترکیه می‌تواند از وضعیت هیدروپلیتیکی خود و ارائه طرح‌های دوجانبه آبی به دولت سوریه به عنوان یک مشوق استفاده کند. این مشوق به نوبه خود می‌تواند رژیم جدید سوریه را به سوی آنکارا متمایل کند، اما در این سناریو حالت دیگری نیز متصور است و آن کنار رفتن بشار اسد و به قدرت رسیدن یک دولت که رفتاری مغایر با منافع ترکیه داشته باشد. در این صورت نیز به نظر می‌رسد وضعیت سناریوی اول تکرار شود.

در مورد عراق نیز باید گفت عدم وجود یک دولت یکپارچه و قوی در عراق قدرت چانه‌زنی هیدروپلیتیکی این کشور را به‌شدت کاهش داده است. وضعیت نابسامان و تسلط گروه‌های تروریستی بر سدها و منابع آبی عراق باعث می‌شود کشور فرادست یعنی ترکیه نیز به خود اجازه بهره‌برداری بیشتر از سهم خود را از منابع آبی مشترک بدهد. زیرا در غیر این صورت

منافع آن نصیب گروه‌های تروریستی فراوان موجود در عراق می‌شود. تا زمانی که یک دولت یکپارچه و قدرتمند در عراق موجود نباشد، ترکیه به طرح‌های آبی یک‌جانبه خود ادامه خواهد داد. سناریوسازی در مورد آینده تحولات عراق به دلیل شرایط سیاسی پیچیده این کشور بسیار دشوار است، اما آنچه از این مباحث می‌توان استنباط کرد این است مناسبات هیدروپلیتیکی این منطقه حالت برد - باخت به خود گرفته و ترکیه در حال استفاده حداکثر از وضعیت نابسامان دو کشور پایین دست خود است.

نتیجه‌گیری

با توجه به کمبود آب در خاورمیانه از جمله کشور عراق، ترکیه که سرمنشأ رودهای دجله و فرات است و مانند عراق از کمبود آب رنج نمی‌برد، اگرچه در موضع‌گیری‌های رسمی خود با همکاری کشورهای پایین دست اظهار تمایل می‌کند، اما تاکنون عملاً در پی آن بوده است تا با استعانت از آن به عنوان یک اهرم قدرتمند اقتصادی و سیاسی و با در دست گرفتن کنترل آب در این حوضه بر نقش و قدرت خود در منطقه افزوده و نقشی تازه در منطقه ایفا کند. سیاست‌های آبی ترکیه در منطقه به قطع در راستای هدف ترکیه برای مبدل شدن به قدرت برتر منطقه حیاتی و استراتژیک خاورمیانه است. ترکیه بر خلاف عراق از پذیرش این دو رود به عنوان رودهای بین‌المللی امتناع ورزیده و بر حق حاکمیت مطلق خود اصرار می‌ورزد. عراق نیز یارای مقابله با قدرت ترکیه را ندارد. به همین جهت تاکنون توافق محکم و دائمی بین این دو کشور پدید نیامده است. هیدروپلیتیک آب با تأکید بر حوزه دجله و فرات تاکنون یکی از مهم‌ترین مسائل سیاست خارجی دو کشور بوده و همواره یکی از عوامل تنش‌زا میان این دو بوده است. از نگاهی می‌توان سهمیه‌بندی آب این حوضه را متأثر از تنش‌های دو کشور به‌ویژه در سال‌های اخیر دانست و از نگاهی دیگر همین مسئله آب را می‌توان عامل تنش‌زا میان ترکیه و عراق در نظر گرفت. حال با توجه به نیاز مبرم عراق به آب این حوضه و احساس نیاز ترکیه به بهبود و عادی‌سازی روابط با کشورهای همسایه از جمله عراق که در جریان درگیری‌های داخلی سوریه و مسئله طارق الهاشمی این روابط با عراق تیره و تار شده است، قطعاً موضوع سهمیه‌بندی آب دجله و فرات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به ویژه دجله که بر خلاف فرات مستقیماً از خاک ترکیه وارد عراق می‌شود. سفر اخیر اوغلو، وزیر امور خارجه ترکیه به عراق و دیدار با سران سیاسی و مذهبی عراق و طرح شدن مسئله آب و درخواست گروه‌ها از دولت عراق برای فشار بر ترکیه جهت افزایش سهم عراق از آب دجله و فرات به‌وضوح نمایانگر اهمیت این موضوع در روابط خارجی دو کشور است. ترکیه بعد از گذشت چندین سال از وجود روابط تیره با عراق و با توجه به رابطه تیره‌ای که با دولت سوریه دارد، به دنبال عادی‌سازی روابط با عراق خواهد بود. این امر می‌تواند برای عراق یک فرصت مناسب جهت

مذاکره با ترکیه بر سر مسئله آب در حوضه دجله و فرات باشد. ترکیه می‌تواند با عادی‌سازی روابط با کردستان عراق جهت جلوگیری نفوذ پ.ک.ک در میان کردهای عراق اقدام کند. یکی از مسائلی که می‌تواند در این زمینه کمک کند حصول توافقی عادلانه بر سر میزان سهمیه عراق از آب است. در نهایت با توجه به تحولات اخیر به نظر می‌رسد ترکیه و عراق بتوانند بر سر این موضوع حیاتی پس از سال‌ها به توافقاتی برسند که این امر خود می‌تواند سبب افزایش قدرت ترکیه در منطقه با توجه به بهبود روابط با کشورهای همسایه شود.

منابع

الف- کتاب

۱. اطاعت، جواد، (۱۳۷۴)، ویژگی‌های ژئوپلیتیک خاورمیانه، در سلسله مقالات خاورمیانه‌شناسی، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، چاپ اول.
۲. اکبری، حسین، (۱۳۸۸)، بحران حاکمیت در عراق، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، چاپ اول.
۳. برازش، محمودرضا، (۱۳۸۸)، ترکیه، تهران: انتشارات آفتاب هشتم، چاپ سوم.
۴. ملکی، قاسم (بازنگری)، (۱۳۸۶)، جمهوری ترکیه، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول.
۵. درایسدل، آلسدایر؛ اچ‌بلیک، جرالد، (۱۳۷۳)، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه درّه میرحیدر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ چهارم.
۶. فغانی، حجت‌الله، (۱۳۷۸)، ابعاد سیاسی - امنیتی بحران آب در خاورمیانه عربی و آینده مذاکرات صلح اعراب و اسرائیل، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول.
۷. کمپ، جفری؛ هارکاو، رابرت، (۱۳۸۳)، جغرافیای استراتژیک خاورمیانه، جلد اول، ترجمه سید مهدی حسینی متین، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
۸. مرادیان، محسن، (۱۳۸۴)، آشنایی با کشور ترکیه، تهران: انتشارات راشا، چاپ اول.
۹. نامی، محمدحسن؛ محمدپور، علی، (۱۳۸۷)، جغرافیای کشور عراق با تأکید بر مسائل ژئوپلیتیک، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، چاپ اول.
۱۰. نهازی، غلامحسین، (۱۳۷۸)، بحران آب در خاورمیانه، تهران: انتشارات مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، چاپ اول.

ب- مقالات

۱۱. جعفری‌ولدانی، اصغر، (۱۳۸۸)، «استفاده از منابع آب رودهای مرزی ایران و عراق و حقوق بین‌الملل»، حقوق و سیاست، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی شماره ۲۶، ۶۳-۹۲.
۱۲. حافظ‌نیا، محمدرضا؛ نیکبخت، مهدی (۱۳۸۱)، «آب و تنش‌های اجتماعی - سیاسی: مطالعه موردی گناباد»، تحقیقات جغرافیایی، اصفهان: دانشگاه اصفهان، شماره ۶۵ و ۶۶، ۴۳-۶۲.
۱۳. حسینی، حسین؛ محمدرضایی، مجتبی، (۱۳۸۴)، «جایگاه آب در سیاست دفاعی و امنیتی رژیم اشغالگر قدس»، سیاست دفاعی، تهران: دانشگاه امام حسین (ع)، شماره ۵۱، ۵۱-۹۰.

۱۴. خوش‌رفتار، رضا، (۱۳۷۲)، «ژئوپلیتیک و منابع آب خاورمیانه»، رشد آموزش جغرافیا، تهران: وزارت آموزش و پرورش، شماره ۳۴، ۲۳-۲۷.
۱۵. ساری‌صراف، بهروز، (۱۳۸۴)، «بحران آب و همکاری‌های بین‌المللی»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، تهران: موسسه اطلاعات، شماره ۲۱۶-۲۱۵، ۱۹۶-۲۰۳.
۱۶. عسگری، محمود، (۱۳۸۱)، «نسبت نوین بین منابع آبی - امنیت ملی»، مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، شماره ۱۶، ۴۸۹-۵۰۲.
۱۷. کاویانی‌راد، مراد، (۱۳۸۴)، «مناسبات هیدروپلیتیک ایران و افغانستان»، مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، شماره ۲۸، ۳۳۷-۳۵۸.
۱۸. محمدشریفی، مجید؛ دارابی‌منش، مریم، (۱۳۹۲)، «راهبرد کلان امریکا و چرخش سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، تهران: انجمن مطالعات جهان اسلام، شماره سوم، ۱۲۷-۱۵۰.
۱۹. مختاری‌هشی، حسین؛ قادری حاجت، مصطفی، (۱۳۸۷)، «هیدروپلیتیک خاورمیانه در افق سال ۲۰۲۵»، فصلنامه ژئوپلیتیک، دانشگاه تربیت مدرس تهران: انجمن ژئوپلیتیک ایران، شماره ۱۱، ۳۶-۷۴.
۲۰. مسعودنیا، حسین؛ فروغی، عاطفه؛ چلمقانی، مرضیه، (۱۳۹۱)، «ترکیه و بحران سوریه از میانجیگری تا حمایت از مخالفان دولت»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، تهران: انجمن مطالعات جهان اسلام، شماره ۴، صص ۸۳-۱۱۰.
۲۱. معموری، علی؛ کاظمی، سید آصف، (۱۳۹۰)، «نقش اسرائیل در بحران آب خاورمیانه»، سخن تاریخ، قم: جامعه المصطفی‌العالمیه، شماره ۱۲، ۱۲۱-۱۵۰.
۲۲. نجیب، عیسی، (۱۳۷۳)، «نقش آب در توسعه خاورمیانه»، مطالعات خاورمیانه، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، شماره ۱، ۳۶-۵۵.

ج- انگلیسی

23. Hudson, Micheal (2005). *The United State in the Middle East, International Relation of the Middle East*, London: Oxford University Press.
24. Kibaroglu, Aysagul (2007). *Politics of Water Resources in the Jordan, Nile and Tigris - Euphrates: Three River Basins, Three Narratives, Perceptions*. Spring 2007.
25. Klass, Ervin E (2003). *Potential for Water Wars in the 21st Century*. Presentation to College for Seniors Lecture Series: Iowa State University.
26. Larrabe, Stephen (2007). *Turkey Rediscovery the Middle East, Foreign Affairs*, available at: www.foreignaffairs.com/search%20?N=4294956766&s=dd&page.

27. Murakami, Masahiro (1995). *Managing Water for Peace in the Middle East: Alternative Strategies*. Tokyo: United Nations University Press.

28. Schenker, David (2011). *Foreign Policy Restructuring, How Governments Respond to Global Change?* Columbia: University of South Colina Press.

29. Seligman, Daniel (2008). *World's major rivers: An introduction water law with case studies*. Las Vegas: Colorado River Commission of Nevada.

30. Svet, Oleg (2010). *The Balance of Power: History and Theory*. London: Routledge.

31. Wolf, Aaron T and Newton, Joshua T (2008). *Case Study Transboundary Dispute Resolution: the Tigris -Euphrates basin*. Oregon State University: Institute for Water and Watershed.

